

قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه

مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ مجلس شورای اسلامی با الحاقات بعدی

ماده ۱ - از تاریخ تصویب این قانون سازمان اوقاف به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تغییر نام می‌یابد و امور ذیل به عهده این سازمان واگذار می‌گردد.

۱ - اداره امور موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا مجهول التولیه است و موقوفات خاصه در صورتی که مصلحت وقف و بطون لاحق و یا رفع اختلاف موقوف علیهم متوقف بر دخالت ولی فقیه باشد.

۲ - اداره امور اماکن مذهبی اسلامی که ترتیب خاصی برای اداره آنها داده نشده است. به استثناء مساجد و مدارس دینی و تکایا.

۳ - اداره امور مؤسسات و انجمنهای خیریه‌ای که از طرف دولت یا سایر مراجع ذیصلاح به سازمان محول شده یا بشود.

۴ - اداره مؤسسات و انجمنهای خیریه‌ای که به تشخیص دادستان محل فاقد مدیر باشد (تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه) ضم امین در مؤسسات و انجمنهای خیریه‌ای که به تشخیص دادستان محل مدیر آن فاقد صلاحیت باشد (تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه) و همچنین است در صورت نبودن یا عدم صلاحیت ناظر (در مواردی که ناظر پیش بینی شده باشد).

۵ - انجام امور مربوط به گورستانهای متروکه موقوفه‌ای که متولی معین ندارند و اتخاذ تصمیم لازم در مورد آنها.

۶ - کمک مالی در زمینه تبلیغ و نشر معارف اسلامی.

۷ - (الحاقی ۱۳۷۵/۱۲/۱۲) اثلاث باقیه، محبوسات، نذور، صدقات و هر مال دیگری که به غیر از عنوان وقف برای امور عام‌المنفعه و خیریه اختصاص یافته در حکم موقوفات عامه است و چنانچه فاقد متولی و متصدی باشد با اذن ولی فقیه، تحت اداره و نظارت سازمان اوقاف و

امور خیریه قرار خواهد گرفت. رعایت مفاد اسناد تنظیمی مربوط به این اموال و رقبات اعم از وصیتنامه و حبس نامه و سیره جاریه در اداره امور و مصرف عواید آنها ضروری خواهد بود.

تبصره ۱ - سرپرست سازمان باید از طرف ولی فقیه مجاز در تصدی اموری که متوقف بر اذن ولی فقیه است باشد.

تبصره ۲ - بقاع متبرکه که حضرت رضا علیه السلام و حضرت احمد ابن موسی (شیراز) و حضرت معصومه و حضرت عبدالعظیم (ع) و موقوفات مربوط به آنها که متولی خاص نداشته باشد و موقوفاتی که برای اداره هر کدام آنها از طرف ولی فقیه نایب التولیه تعیین شده یا بشود از شمول این قانون مستثنی است و در غیر این صورت اداره آنها با سازمان خواهد بود.

تبصره ۳ - (الحاقی ۱۳۷۵/۱۲/۱۲) سازمان اوقاف و امور خیریه در صورت نیاز در مورد رقبات و اموال موضوع بند (۷) بالا با تأیید نماینده ولی فقیه و سرپرست آن سازمان، به منظور جلوگیری از تعدی و تفریط در اداره آنها نسبت به نصب امین یا هیأت امناء اقدام خواهد کرد.

(۱) به موجب مصوبه شماره ۴۶۲/د ش شورای عالی اداری مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۵ و در راستای اجرای اوامر مقام معظم رهبری در خصوص کیفیت اداره‌ی امور حج و زیارت، نام سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به «سازمان اوقاف و امور خیریه» تغییر یافته و کلیه‌ی امور مربوط به حج و زیارت از سازمان مزبور منتزع و به سازمان حج و زیارت که سازمانی مستقل زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد واگذار شده است.

(۲) وقف بهترین و مؤثرترین وسیله تکافل اجتماعی و به عنوان نهادی است که تداوم صدقات را امکان پذیر می سازد.

(۳) وقف عام، وقفی است که در جهت و مصلحت عمومی و یا عناوین عامه باشد، مانند وقف بر مساجد. در این نوع وقف شخص یا اشخاص خاصی مد نظر واقف نمی باشند بلکه واقف به طور کلی وقف کرده است.

(۴) وقف خاص، وقفی است برای شخص یا اشخاص معین و محصور، مانند وقف بر اولاد.

(۵) در دو صورت یک موقوفه، مجهول التولیه تلقی می شود. یا موقوفه به کلی فاقد وقفنامه است و یا دارای وقفنامه می باشد، لیکن نام شخص معینی به عنوان متولی در آن ذکر نشده است.

۶) اشخاصی که پس از موقوف علیهم فعلی، برابر با مفاد وقفنامه، مصداق موقوف علیهم واقع می شوند، بطون لاحق نامیده می شوند.

۷) به اماکنی که به منظور عبادت، زیارت، و یا انجام مراسم مذهبی ایجاد شده یا اختصاص یافته اند و جنبه استفاده شخصی ندارند، اماکن مذهبی گویند.

۸) دادگستری مرجع رسمی تظلمات و رسیدگی به شکایات است و صلاحیت مراجع غیر دادگستری، صلاحیت عام مراجع دادگستری را منتفی نمی نماید. از این رو صلاحیت اداره تحقیق اوقاف در رسیدگی به موضوع تعیین متولی، مانع از آن نیست که دادگاه عمومی به دعوی مزبور رسیدگی نماید. (برای مطالعه بیشتر رک: رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۶۵۵ مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۷)

۹) اداره موقوفات عام و امور راجع به تولیت آن با سازمان اوقاف و امور خیریه است و دادگاه نمی تواند برای اداره آنها متصدی تعیین نماید. (برای مطالعه بیشتر رک: نظریه شماره ۷/۵۰۸ مورخ ۱۳۶۵/۹/۴ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه)

۱۰) اداره موقوفه از زمان فوت متولی تا قطعیت تعیین متولی جدید و تحویل موقوفه به وی، با سازمان اوقاف و امور خیریه است. از آن جا که حق التولیه در قبال زحماتی است که متولی انجام داده، اما متولی جدید، تا قبل از تحویل موقوفه به او، هیچگونه عملی برای موقوفه انجام نداده است، لذا این سازمان اوقاف است که مستحق حق التولیه ی زمان تصدی خود می باشد، نه متولی جدید. (برای مطالعه بیشتر رک: نظریه شماره ۷/۸۹۳۳ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۸ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه)

۱۱) بدون صدور حکم نهایی دادگاه بر وقفیت، اداره ثبت مجوزی برای ابطال ثبت و سند مالکیت یک ملک ندارد.

۱۲) دعوی وقفیت باید به طرفیت مالک اقامه شود و اگر ارث بلا وارث است، علیه مدیر ترکه اقامه گردد. (نظریه شماره ۷/۶۰۳۴ مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۳)

۱۳) در عقد وقف، قصد قربت شرط نشده است. با این وجود غیر مسلمان هم می تواند قریباً عملی انجام دهد و به هر حال وقف از کافر نیز پذیرفته است. از این رو اجاره موقوفه توسط غیر مسلمان بلا اشکال است. (برای مطالعه بیشتر رک: نظریه شماره ۷/۲۳۳۱ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۷)

۱۴) اعمال اختیار نظارتی و تصدی از سوی سازمان اوقاف و امور خیریه در امور مربوط به موقوفات به نیابت از واقف و یا به قائم مقامی متولی، از مصادیق تصمیمات و اقدامات «واحد‌های دولتی» موضوع بند الف ماده (۱۳) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ محسوب نمی‌گردد. (برای مطالعه بیشتر رک: رأی شماره ۲۱۱ مورخ ۱۳۷۸/۴/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص اعمال نظارت و تصدی در امور مربوط به موقوفات)

۱۵) اثلاث باقیه، نذورات، محبوسات، صدقات و هر مال دیگری که به منظور امور عام المنفعه و خیریه تخصیص یافته باشد، در حکم موقوفات عام است و در نتیجه سازمان اوقاف نسبت به آنها خواه دارای متولی باشند و خواه نباشند، حق نظارت دارد.

۱۶) به شخصی که به استناد وقفنامه با تشخیص شعب تحقیق و یا حکم دادگاه به منظور اداره امور موقوفه تعیین شده یا بشود، متولی گویند.

۱۷) اثلاث باقیه اموال غیرمنقولی است که موصی از محل ثلث دارایی خود برای مصارف در امور خیریه معین می‌کند.

۱۸) موسسات و انجمنهای خیریه، موسساتی هستند غیر تجاری که به منظور تعظیم شعایر اسلامی، امور فرهنگی، بهداشتی، تربیتی و یا هر نوع عمل خیر دیگری تأسیس شده و به ثبت رسیده و یا تشکیل شده‌اند.

ماده ۳ - هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد.

۱) چنانچه سایر وراث متوفی در خصوص وقفیت ملک ادعایی نداشته باشند، لازم نیست که کلیه ی وراث طرف دعوی واقع شوند. بنابراین دعوی احدی از ورثه به طرفیت اداره اوقاف مبنی بر ابطال وقفیت و اثبات مالکیت خود کفایت می‌کند و دادگاه در صورت احراز حقانیت وی، به قدر سهم وارث مذکور مبادرت به صدور حکم می‌نماید. (برای مطالعه بیشتر رک: نظریه شماره ۷/۶۸۴۷ مورخ ۱۳۸۳/۹/۱۲)

۲) شخصیت حقوقی عبارت است از مجموعه ای از افراد یا پاره ای از اموال که برای تحقق هدفی معین در کنار یکدیگر گرد آمده‌اند و قانون آنها را طرف حق و تکلیف شناخته و برای آنها شخصیت مستقلی قایل گردیده است. مانند دولت، شهرداری، دانشگاه تهران و موقوفات. شخص حقوقی، حقوق و تکالیف متمایزی از حقوق و تکالیف افراد تشکیل دهنده خود دارد و می‌تواند از آن چه قانونگذار برای اشخاص حقیقی از حقوق و

تکالیف مقرر کرده برخوردار گردد. مگر حقوق و تکالیفی که با طبیعت انسان ملازمه دارد. مانند وظیفه ابوت و بنوت و امثال آن.

۳) هر چند سازمان اوقاف در عداد واحدهای دولتی قرار دارد و مطابق مقررات و رأی شماره ۳۷-۳۸-۳۹ مورخ ۶۸/۷/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که در مقام ایجاد وحدت رویه صادر شده رسیدگی به شکایات و اعتراضات واحدهای دولتی جز نسبت به مصوبات و نظامات دولتی از قلمرو صلاحیت دیوان خارج است لیکن حکم مذکور ناظر به مواردی است که واحد دولتی بالا صاله و در مقام حفظ حقوق دولت مبادرت به تقدیم دادخواست کند در حالی که به موجب احکام و مقررات قانون مدنی در باب ماهیت حقوقی عقد وقف و نتایج و آثار مترتب بر آن مال موقوفه متعلق حق دولت نیست و درآمد و عواید آن جزو بودجه عمومی دولت محسوب نمی‌شود و سازمان اوقاف در اداره امور موقوفات در واقع و نفس الامر مجری نیت و اهداف واقف و حافظ منافع و حقوق موقوف علیهم است و به نیابت و نمایندگی قانونی آنان عهده‌دار و تولید و اداره امور موقوفات می‌باشد و تبعاً در صورت تضييع حقوق آنها می‌تواند به نمایندگی قانونی موقوف علیهم حسب مورد به مراجع قضایی و از جمله دیوان عدالت اداری شکایت کند. (برای مطالعه بیشتر رک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده: ۷۱/۱۰۰، شماره دادنامه: ۱۵۵/۷۱، مورخ ۲۵ مهر ۱۳۷۱).

۴) «تصمیمات و اقدامات سازمان اوقاف و امور خیریه در زمینه حفظ و اداره مال موقوفه به لحاظ تعلق آن به موقوف علیهم بر اساس نیت واقف در واقع و نفس الامر به نمایندگی از طرف شخص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی صورت می‌گیرد، و از انواع وظایف و مسئولیت‌های دولتی سازمان مذکور محسوب نمی‌شود. رسیدگی به شکایت و اعتراض آن سازمان به قائم‌مقامی اشخاص مذکور در صورت انطباق با شقوق ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری در صلاحیت دیوان قرار دارد. (برای مطالعه بیشتر رک: مورخ ۶ اسفند ۱۳۷۳، کلاسه پرونده: ۷۳/۱۹۷، شماره دادنامه: ۱۴۷/۷۳) طبق ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه، هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی مستقلی است و اداره اوقاف نماینده آن است. مضافاً این که حسب رأی وحدت رویه شماره ۱۵۵ مورخ ۷۱/۷/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، سازمان و واحدهای اوقافی به نیابت و نمایندگی قانونی موقوفات می‌توانند به مراجع قضایی و از جمله دیوان عدالت اداری شکایت کنند و شکایات آنها در حکم شکایات و اعتراضات واحدهای دولتی نیست.

ماده ۴ - متولی موقوفه کسی است که به موجب مفاد وقفنامه و مقررات قانون مدنی یا این قانون واجد این سمت باشد. در مورد اعتراض اشخاص با رعایت مواد ۱۴ تا ۱۷ این قانون اقدام خواهد شد.

تبصره ۱ - موقوفاتی که متولی آنها عزل یا فوت می‌شود تا تشخیص متولی بعدی و موقوفاتی که متولی آنها ممنوع‌المداخله می‌شود تا رفع ممنوعیت یا ضم امین در حکم موقوفات بدون متولی است.

تبصره ۲ - هر گاه شخص یا اشخاصی که در وقفنامه به عنوان متولی معین شده‌اند وجود نداشته باشند و یا اوصاف مقرر در وقفنامه منطبق با شخص یا اشخاص معینی نگردد موقوفه در حکم موقوفه مجهول‌التولیه است.

تبصره ۳ - در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد هر گاه متولی برای انجام تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه و کیلی انتخاب کند و کیل مزبور باید توانایی انجام مورد وکالت را داشته باشد در صورتی که وکیل انتخابی به تشخیص سازمان قادر به ایفاء وظایف محوله نباشد مراتب کتباً به متولی ابلاغ خواهد شد هر گاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم ایران و چهار ماه برای متولیان مقیم خارج از کشور، متولی، اقدام به تغییر وکیل ننماید موضوع به دادگاه صالح احاله و پس از ثبوت عدم توانایی وکیل مزبور با ابلاغ سازمان از دخالت ممنوع می‌شود این حکم شامل وکلایی که قبلاً نیز انتخاب شده‌اند خواهد بود.

(۱) تعیین متولی با دادگاه نیست، مگر اینکه اداره اوقاف حسب ارجاع دادگاه عمومی نسبت به موارد مذکور در ماده ۶) آیین نامه ماده (۱۷) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه اظهار نظر و مراتب را به دادگاه اعلام کرده باشد. (برای مطالعه بیشتر رک: نظریه شماره ۷/۲۲۵۵ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۴)

(۲) در صورت درج شرط مباشرت متولی در وقفنامه، مشارالیه نمی‌تواند امور مربوط به تولیت را به دیگری تفویض کند.

ماده ۵- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می تواند در اموری که اداره ی آن به عهده ی این سازمان است، شخص یا هیأتی از اشخاص متدین و معروف به امانت را به عنوان امین یا هیأت امانت تعیین نماید.

تبصره ۱ - نحوه انتخاب و برکناری و شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیأت امانت و میزان حق الزحمه آنان و همچنین نظامات راجع به حفظ و نگهداری اماکن و اموالی که اداره آن به عهده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می باشد به موجب آیین نامه هایی که بر اساس مقررات و سنن و خصوصیات اماکن مربوط که به تصویب هیأت وزیران می رسد خواهد بود.

تبصره ۲ - ندور نقدی که جهت مشخصی برای مصرف آن معین نشده است و وجوه حاصل از فروش اموال منقول زائد بر احتیاجی که به این قبیل اماکن اهداء می شود با جلب نظر اداره اوقاف به وسیله هیأت امانت به ترتیب در امور ذیل مصرف می شود:

الف - عمران و آبادی اماکن مذکور.

ب - تدارک وسایل رفاه و بهداشت زوار این اماکن و ساکنان ناحیه.

ج - نشر معارف اسلامی و تبلیغات مذهبی و تعظیم شعائر دینی در آن محل.

د - کمک به مدارس علوم دینی در آن محل.

ه - خیرات و مبرات مطلقه.

ماده ۶- صرف درآمد موقوفات به منظور بقاء عین آنها بر سایر مصارف مقدم است و متولی موظف است موجبات آبادانی رقبات موقوفه را در جهت بهره برداری صحیح از آنها به منظور اجرای نیات واقف فراهم آورد.

تبصره - در صورتی که درآمد یک ساله موقوفه یا اماکن اسلامی برای تعمیر و یا نوسازی آن کافی نباشد درآمد دو یا چند سال در حساب مخصوص ذخیره و به موقع به مصرف خواهد رسید.

۱) رقبه عبارت است از یک واحد ملکی غیر منقول. هر موقوفه یا مکان مذهبی ممکن است دارای یک یا چند رقبه باشد.

ماده ۷ - هر گاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی یا تفریط نماید یا در انجام وظایف مقرر در وقفنامه و قانون و آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط مسامحه و اهمال ورزد، با رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه حسب مورد معزول یا ممنوع‌المداخله یا ضم امین خواهد شد.

تبصره ۱ - به متولی و ناظر ممنوع‌المداخله در زمان ممنوعیت حق التولیه و حق‌النظاره تعلق نخواهد گرفت مگر آنکه برائت آنان ثابت شود و در مواردی که ضم امین می‌شود، اوقاف حق امین را خواهد پرداخت.

تبصره ۲ - در مواردی که مطابق قانون مدنی یا این قانون ضم امین می‌شود، دادگاهها می‌توانند سازمان حج و اوقاف و امور خیریه را هم به عنوان امین تعیین کنند.

تبصره ۳ - نسبت به تعدی و تفریط یا سایر تخلفات مدیران و امناء مؤسسات و بنیادهای خیریه طبق اساسنامه مؤسسه و بنیاد مربوط اقدام خواهد شد. و در صورتی که اساسنامه آنها در این موارد ساکت یا ناقص باشد مشمول مقررات پیش‌بینی شده در این ماده و تبصره‌های آن خواهند بود.

تبصره ۴ - کلیه مباشران موقوفات و اماکن مذهبی اعم از متولی و ناظر و امناء و مدیران و امناء و بنیادهای خیریه مذکور در این قانون در حکم امین می‌باشند. در صورت تعدی یا تفریط یا تخلفات دیگر ملزم به تأدیه حقوق و وجوه و اموال و جبران خسارات ناشی از اعمال خود خواهند بود هر گاه عمل آنها مشمول عناوین کیفری باشد از طریق مراجع قضایی نیز تعقیب و به مجازات مقرر محکوم خواهند شد.

۱) تعدی عبارت است از تجاوز متولی، ناظر و یا امین موقوفه و اماکن مذهبی از حدود قانون، اذن و یا متعارف نسبت به موقوفه و اماکن مذهبی و یا حقوق آنها.

۲) تفریط عبارت است از ترک عملی از سوی متولی، ناظر و یا امین که به موجب وظایف معین، قانون و یا متعارف برای حفظ عین و یا منافع موقوفه و اماکن مذهبی لازم است.

۳) در صورتی که متولی یا ناظر به موجب قانون و یا رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه از دخالت یا نظارت در امور موقوفه منع گردد، تا زمان حصول برائت، ممنوع المداخله نامیده می شود.

۴) در مواردی که به موجب رأی دادگاه، اداره موقوفه می بایست با دخالت شخص دیگری علاوه بر متولی باشد، این عمل ضم امین و شخص تعیین شده، امین منضم نامیده می شود.

۵) حق التولیه، سهمی است از منافع موقوفه که معمولاً واقف برای حق الزحمه متولی قرار می دهد، ولو اینکه واقف و متولی یک نفر باشند. جایز است واقف از منافع موقوفه سهمی برای عمل متولی قرار دهد و اگر حق التولیه معین نشده باشد، متولی مستحق اجرت المثل است.

۶) چنانچه میزان حق التولیه و حق النظاره در وقفنامه معین نشده باشد و یا در صورت فقدان کلی وقفنامه، حق التولیه به میزان اجرت المثل معادل ده درصد (۱۰٪) درآمد خالص ماهیانه و حق النظاره به میزان اجرت المثل معادل پنج درصد (۵٪) همان درآمد خواهد بود.

۷) هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۶ بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد ماده (۱۲) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه - مصوب ۱۳۶۳ - تصویب نمود: سازمان اوقاف و امور خیریه در هر سال مجاز است وجوهی را که از محل هدایای مستقل، حق التولیه و اداره امور اماکن مذهبی دریافت می کند، در جهت تبلیغ و نشر معارف اسلامی، حفظ عین و منافع و احیای موقوفات و اماکن اسلامی، حق الزحمه ی هیأت امناء و حق النظاره ی نظار موقوفات و ... هزینه نماید. (برای مطالعه بیشتر رک: تصویب نامه راجع به حق التولیه و حق النظاره و اداره امور اماکن مذهبی مصوب ۱۳۸۰/۲/۱۶ هیأت وزیران و آیین نامه های چگونگی هزینه وجوه حاصل از محل هدایای مستقل و حق التولیه و حق النظاره و اداره امور اماکن مذهبی از سال ۸۱ به بعد).

۸) «مطابق ماده ۷ قانون تشکیلات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، با عزل یا ممنوع المداخله شدن متولی ضم امین منوط به حکم قطعی دادگاه است. بنابراین مدلول ماده ۲۹ آیین نامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه که مفهوم قابلیت اجرای مطلق تصمیمات و نظرات شعب تحقیق حتی در موارد مصرح در ماده ۷ قانون مزبور قبل از صدور رأی قطعی دادگاه می باشد، مخالف قانون مزبور تشخیص و مستنداً به قسمت

دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.» (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ: ۴ مرداد ۱۳۷۶، کلاسه پرونده: ۷۴/۱۳۹، شماره دادنامه: ۴۷/۷۶)

ماده ۸- در آمد موقوفات مجهول‌المصرف و موقوفاتی که به صیغه مبرات مطلقه وقف شده قابل مصرف در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات می‌باشد زیر نظر سازمان به مصرف می‌رسد.

تبصره- در آمد موقوفات متعذرالمصرف و موقوفاتی که عواید آنها به سبب قلت گرچه با پس‌انداز چند سال برای اجرای نظر واقف کافی نباشد باتشخیص تحقیق اوقاف در موارد اقرب به غرض واقف در محل به مصرف می‌رسد. آن قسمت از درآمد موقوفاتی که به علت کثرت عوائد زائد بر مصرف متعارف باشد حتی‌الامکان در موارد اقرب به نظر واقف صرف گردد و در صورت نبودن مورد اقرب در مطلق امور خیریه به مصرف خواهد رسید. مقصود از متعذرالمصرف آن است صرف درآمد موقوفه در مصارف مقرر به علت فراهم نبودن وسایل و یا انتفاء موضوع و یا عدم احتیاج به مصرف‌مقدور نباشد.

ماده ۹- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه نسبت به مواردی که در بندهای ماده یک این قانون به عهده آن گذاشته شده در صورت عدم اقدام متولی یا امناء یا موقوف علیهم حق تقاضای ثبت و سایر اقدامات لازم و اعتراض و اقامه دعوی را دارد. همچنین می‌تواند در مواردی که لازم بداند و مصلحت موقوفه ایجاب نماید در دعاوی مربوط وارد دعوی شده و به احکام صادره اعتراض کند.

تبصره - در کلیه موارد مذکور در این ماده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موقوفات عام، بقاع متبرکه، اماکن مذهبی اسلامی، مدارس علوم دینی و مؤسسات و بنیادهای خیریه از پرداخت مخارج و هزینه‌های دادرسی و ثبتی و اجرایی معاف می‌باشند.

(۱) تعیین متولی در حوزه اختیارات دادگاه نمی‌باشد. سازمان اوقاف طبق ماده (۹) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳، حق اقامه دعوی یا ورود در دعاوی اقامه شده را داراست.

۲) با عنایت به تبصره (۳) ماده (۱۰) آیین نامه ی اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۰ هیأت وزیران، معافیت هزینه ی دادرسی مندرج در تبصره ماده (۹) قانون فوق الذکر، تنها شامل وقف عام می گردد و قابل تسری به وقف خاص نیست.

۳) اگر وقف عام و خاص با یکدیگر توأمان و غیر قابل تفکیک باشند، معاف از پرداخت هزینه دادرسی اند، لیکن چنانچه قابل تفکیک باشند، وقف خاص مشمول پرداخت و وقف عام معاف از پرداخت هزینه دادرسی است. (برای مطالعه بیشتر رک: نظریه شماره ۷/۲۴۸۳ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه)

۴) رأی شماره ۵۶ مورخ ۱۳۷۵/۴/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال رأی شورای عالی مالیاتی: شاکی طی دادخواست تقدیمی به دیوان عدالت اداری اعلام داشته است: تبصره ۱ ماده ۲۱۴ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۴۵ و اصلاحیه های بعدی، زمینهای بایر متعلق به دولت و شهرداری و موسسات وابسته به دولت و شهرداری ها و موسسات خیریه و عام المنفعه را از پرداخت مالیات بر اراضی بایر معاف نموده است. لیکن هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی در نظریه شماره ۴۰۹۷-۳۸ مورخ ۶۹/۴/۱۰ (۳۰/۴/۳۴۴۲-۶۹/۲/۴) به علت عدم تصریح کلمه موقوفات در متن ماده ۲۱۴ فوق الذکر، معافیت مذکور را مشمول اراضی بایر موقوفات خاص ندانسته و مشمول پرداخت اراضی بایر دانسته است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با حضور روسای دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی نمود: «با توجه به نظریه فقهای محترم شورای نگهبان به شرح بین الهالین (دریافت مالیات بر رقبات موقوفات عام و خاص خلاف شرع انور است، اما مالیات بر درآمد اشکالی ندارد) به استناد قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری تصمیم شماره ۳۰/۴/۳۴۴۲ مورخ ۶۹/۲/۴ هیأت عمومی شورای عالی ابطال می گردد.»

۵) معافیت سازمان اوقاف و امور خیریه موضوع تبصره ذیل ماده (۹) قانون اوقاف و امور خیریه از پرداخت هزینه ی دادرسی با توجه به مقررات ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹ منتفی شده است. چنانچه بعد از تاریخ تصویب قانون مذکور، قوانینی در مورد معافیت سازمان یا ارگان یا وزارتخانه ای از پرداخت هزینه دادرسی به تصویب رسیده باشد لازم الاجراء است. (نظریه شماره ۷/۵۵۱۷ مورخ ۱۳۸۲/۷/۳)

۶) با توجه به بند «۸» ماده (۲) قانون مالیات بر درآمد که فقط موقوفات عام را مشمول مالیات بر درآمد ندانسته است و نصی در مورد معافیت متولیان موقوفات خاص از پرداخت مالیات وجود ندارد، علی هذا موقوفات خاص از پرداخت مالیات مستغلات معاف نمی باشند. (نظریه شماره ۷/۳۷۴۳ مورخ ۱۳۷۳/۶/۱۲)

۷) با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹ کلیه ی قوانین مغایر با آن لغو شده و چون به موجب مقررات این قانون پرداخت هزینه دادرسی عام و کلی بوده و شامل تمام مراجع دولتی، وزارتخانه ها، شرکت های دولتی، موسسات عمومی و غیره می باشد، لذا تا زمانی که به موجب قوانین جدید، مرجع یا مراجعی از پرداخت هزینه دادرسی معاف نشود، دادگاهها در قبال رسیدگی به دعاوی مطروحه ناگزیر از دریافت هزینه ی دادرسی خواهند بود. (نظریه شماره ۷/۱۴۴۰ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۳)

۸) از مفهوم مخالف ماده ۹ قانون چنین بر می آید که قانونگذار حق اقامه دعوی برای هیأت امناء را تحت شرایطی متصور است که مطابق بند «و» از ماده ۷ آیین نامه ی نحوه ی انتخاب و برکناری، شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیأت امنای اماکن مذهبی عنداللزوم اقامه دعوی صورت می پذیرد. چگونگی اقامه دعوی و اینکه آیا رییس هیأت مدیره و اعضای آن منفرداً واجد صلاحیت دعوی می باشند، یا مجتمعاً و یا از طریق اعطای نمایندگی، در اساسنامه چنین هیأت هایی مشخص می شود.

۹) «هر چند در بند ۲ ماده ۱ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲، اداره امور مساجد توسط سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مستثنی شده ولی از شمول تبصره ماده ۹ این قانون در خصوص معافیت از پرداخت هزینه دادرسی خارج نیستند و این معافیت شامل مسجد نیز می شود.» (نامه اسناد و امور مترجمین قوه قضاییه، به شماره ۵۷/۱۹۸۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۴)

ماده ۱۰- ثبت معاملات راجع به عین یا منافع موقوفات و بنیادها و مؤسسات خیریه مذکور در ماده ۹ در دفاتر اسناد رسمی موکول به موافقت سازمان حج و اوقاف و امور خیریه است. دفاتر اسناد رسمی مکلفند رونوشت مصدق وقف نامه ها و اسناد راجع به وقف را ظرف ۱۰ روز پس از ثبت به اداره اوقاف مربوطه ارسال دارند.

تبصره- ادارات ثبت مکلفند رونوشت مصدق اسناد مالکیت وقف را پس از صدور به اداره اوقاف محل تحویل نمایند. متولیان نیز موظفند ظرف مدت دو ماه از تاریخ اجرای این قانون

رونوشت مصدق اسناد مالکیت و رونوشت وقفنامه‌های موجود نزد خود را برای حفظ و نگهداری به اداره اوقاف مربوط تسلیم دارند.

ماده ۱۱- حق التولیه متولی و یا سازمان (در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات متصرفی) همچنین حق‌النظاره ناظر به میزان مقرر در وقفنامه است و در صورتی که وقفنامه موجود نباشد و یا میزان حق‌التولیه و حق‌النظاره در آن تعیین نشده باشد حق‌التولیه به مقدار اجرت‌المثل از عایدات خالص خواهد بود.

ماده ۱۲- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وجوهی را که از محل هدایای مستقل و حق‌التولیه و حق‌النظاره دریافت می‌دارد طبق بودجه‌ای که هر سال تنظیم و به تصویب هیأت دولت خواهد رساند رأساً به مصرف می‌رساند.

ماده ۱۳- وجوهی که از محل پذیره و اهدایی حاصل از اجاره و استیجار رقبات موقوفه دریافت می‌گردد از عواید همان موقوفات محسوب و به مصارف مقرر خواهد رسید.

تبصره - نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی مطابق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیأت دولت خواهد رسید.

- طبق ماده ۱۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳، «وجوهی که از محل پذیره و اهدائی حاصل از اجاره و استیجاره رقبات دریافت می‌گردد از عواید همان موقوفات محسوب و به مصارف مقرر خواهد رسید.» نظر به اینکه حکم مقنن مصرح در الزام اشخاص به پرداخت پذیره و اهدائی بابت اجاره اراضی موقوفه با کاربری کشاورزی نیست، بنابراین ماده ۸ آیین‌نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدائی مصوب هیأت وزیران که به تجویز تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون فوق‌الذکر به تصویب رسیده و مقرر داشته «اعطای حق تملک اعیانی در مورد اراضی موقوفه‌ای که بنابه تشخیص مراجع ذیصلاح کاربری زراعی دارد ممنوع بوده و در ایجار آنها پذیره دریافت نخواهد شد.» مغایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع ماده مزبور نمی‌باشد. (رک: رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده: ۸۴/۸۶۷، شماره دادنامه: ۱۰۵۵/۸۶، مورخ: ۲۷ آذر ۱۳۸۶).

- به موجب رأی شماره ۳۵۶۱ مورخ ۴۲/۱۲/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «هرگاه یکی از نسل موجود با داشتن فرزند فوت شود فرزند او با باقیماندهگان نسل در انتفاع از مورد وقف و یا در امر تولیت و وصایت نمی تواند شرکت نماید و مادام که چند نفر حتی یک نفر هم از نسل مقدم باقی است، نوبت نسل بعد نخواهد رسید.» ماده ۱۳ قانون، تبعیت از مقررات وقفنامه را خواه تشریک و خواه ترتیب باشد دستور داده است اما تبصره ذیل ماده ۱۰ آیین نامه منحصراً امر بر تشریک نموده است ولو اینکه واقف ترتیب را مقرر کرده باشد. (لازم به ذکر است تبصره فوق الذکر به موجب رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ: ۳۱ تیر ۱۳۸۶، کلاسه پرونده: ۲۳۱، ۸۵/۸۶، شماره دادنامه: ۲۸۶/۸۶، ۲۸۷، ابطال گردید.)

ماده ۱۴- تحقیق در جمع و خرج عواید راجع به وقف و نیز صدور مفاصا حساب و تطبیق مصارف با مفاد وقفنامه و تشخیص متولی و ناظر و موقوف علیهم (با رعایت ماده ۷ این قانون و تبصره های آن) با شعب تحقیق اوقاف است مگر در موقوفات منصوص التولیه در صورتی که مظنه تعدی و تفریط متولی نباشد.

- «متولیان منصوصی که با تشخیص ادارات تحقیق سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به استناد قسمت آخر ماده ۱۴ فوق الاشعار در مظان تعدی و تفریط نباشند از تسلیم صورتحساب درآمد و هزینه و اخذ مفاصا حساب از شعب تحقیق معاف بوده و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه بر اعمال اینگونه متولیان نظارت نخواهند نمود. تبصره: در صورتی که اینگونه متولیان بخواهند از معافیت مقرر در ماده ۲ قانون مالیاتهای مستقیم استفاده نمایند، ملزم به رعایت ضوابط مقرر در آیین نامه اجرایی آن قانون می باشند.» (رک: ماده ۳ طرح توجیه ادارات حج و اوقاف و امور خیریه در رابطه با متولیان موقوفات که در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۷ به تأیید مقام معظم رهبری رسید.)

- «به موجب ماده ۱۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان و آیین نامه های آن تحقیق در جمع و و خرج عواید موقوفات و صدور مفاصا حساب و تطبیق مصارف آن با مفاد وقفنامه از وظایف شعب ادارات تحقیق است. لذا شعب مذکور موظفند همه ساله ضمن اقدام به موقع در این مورد اسامی متولیانی را که مشمول مواد ۲ و ۳ این طرح نباشند به ادارات حج و اوقاف و امور خیریه شهرستان مربوطه اعلام تا آن ادارات بتوانند به موقع در تنظیم اسناد معاملات راجع به عین یا منافع این قبیل موقوفات نظارت کامل نموده و امور مربوط به موقوفه با نظارت استصوابی ادارات حج و اوقاف و امور خیریه محل انجام گردد. بدیهی است به محض خروج هر یک از متولیان مشمول این ماده از مظان تعدی و تفریط موضوع نظارت نیز مرتفع خواهد شد» (ماده ۴، همان.)

ماده ۱۵- هیأت تحقیق اوقاف مرکب از دو قسمت حقوقی و حسابرسی است و شعب آن بر حسب ضرورت در مراکز استانها و شهرستانها تأمین می‌گردد.

تبصره - ادارات اوقاف و اشخاص ذینفع در صورتی که اعتراض داشته باشند می‌توانند پس از ابلاغ نظر شعبه تحقیق اعتراض خود را در دادگاههای دادگستری طرح نمایند. حکم این ماده در مورد بنیادها و مؤسسات خیریه و اماکن مذهبی اسلامی نیز جاری است.

ماده ۱۶- در مورد اراضی که برای احداث مراکز آموزشی یا درمانی وقف می‌شود در صورتی که متولی بدون عذر موجه در مدت مناسب باتشخیص سازمان اقدام مؤثری برای احداث آن مراکز نکند و الزام متولی هم به انجام آن ممکن نباشد سازمان می‌تواند حسب مورد آن اراضی را در اختیار وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، سازمان بهزیستی، هلال احمر محل یا سازمان دیگری که وظایف آن متناسب با اهداف واقف باشد قرار دهد تا اقدام لازم به عمل آورند.

ماده ۱۷- آیین نامه های اجرایی این قانون و کیفیت تحقیق در شعب تحقیق با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

۱) آیین نامه ی اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۱۰ به تصویب هیأت وزیران رسید.

۲) آیین نامه ی کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه در تاریخ ۱۳۶۵/۹/۳۰ به تصویب هیأت وزیران رسید. البته عنوان آیین نامه ی مذکور به استناد مصوبه ی ۱۳۸۲/۸/۴ هیأت وزیران به «آیین نامه ی کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان اوقاف و امور خیریه» تغییر یافت.

ماده ۱۸- کلیه ی قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایرت دارد از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردد.